

# بررسی مبحث حال



**کامنت** **مرضیه چاراستاد، تجربی نظام جدید - یزد:** «يساعد الولد أمة مبتسمه». الان «مبتسمه» حال برای «أمة» هستش. از کجا بفهمیم نمیتونه حال برای «الولد» باشه؟ - تاریخ ثبت: 13990314

**پاسخ کامنت** **سیده فائزه فریدی شیرازی، تجربی نظام جدید - شیراز - میانگین تراز 6959:** چون حال و ذوالحال باید در جنس و تعداد با هم متناسب باشند. «الولد» مذکر ولی «مبتسمه» مونث هست. - تاریخ ثبت: 13990314

**کامنت کاربر:** سلام بچه‌ها حال که باید منصوب، نکره و مشتق باشه و مشتق باید حتما از نوع فاعل باشه یا مفعول هم میشه؟ - تاریخ ثبت: 13990524

**حال مشتق است و می تواند اسم فاعل و مفعول و در موارد نادر اسم مبالغه و اسم تفضیل باشد ولی اسم مکان نمی تواند حال واقع شود.**

**کامنت کاربر:** سلام دوستان میگم «وجدت اختی مسروره» مگه «مسروره» مفعول نیست؟ - تاریخ ثبت: 13990130

**پاسخ کامنت مهسا - کاربر:** «أخت» مفعول حساب میشه و «مسروره» حال هستش...من خواهرم را خوشحال یافتم(در حالی که خوشحال بود یافتم یا دیدم) ((( - تاریخ ثبت: 13990130

# معرفی حال و انواع آن

**حال:** اسم یا جمله ای است که معادل قید حالت در زبان فارسی است.

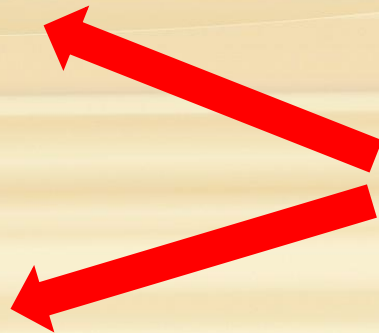
**مثال:** شاهدتُ صدیقی أحمد فی الشاره مَسروراً: دوستم احمد را در خیابان خوشحال دیدم!

حال جز ارکان اصلی جمله نیست و می توان آن را حذف کرد اما بودنش معنای جمله را تغییر می دهد.

حال مفرد

انواع حال

حال جمله



# حال مفرد (اسم)

در این حالت کلمه به صورت یک اسم ظاهر می شود.

نظرتُ الی تلک الکتب متعجباً: متعجبانه به آن کتاب ها نگاه کردم.

– ویژگی های ظاهری:

(1) **حال منصوب است** و با یکی از حالت های « برای مفرد و جمع های مکسر»، «ین برای مثنی» و «ین برای جمع مذکر

سالم» ظاهر می شود.

(2) **نکره است** = یعنی به هیچ وجه «ال» نمی گیرد و معرفه به اضافه نمی شود. (اگر مفرد باشد تنوین دارد البته گاهی طراح

استفاده نمی کند)

(3) **مشتق است** = یعنی اسم فاعل و مفعول است و به ندرت به شکل اسم مبالغه و اسم تفضیل اما به هیچ وجه اسم مکان حال

نمی شود.

**مثال:** وقف المهندس الشاب فی المصنع مُبْتَسِماً: «مبتسماً» = منصوب است (.) . نکره است (بدون ال). مشتق است (اسم فاعل).



## نقش های مشابه حال مفرد

به این دلیل که گاهی اوقات صفت و خبر افعال ناقصه به صورت منصوب، نکره و با ساختار وصفی ظاهر می شوند ممکن است

با حال اشتباه شوند.

(1) **صفت نکره و منصوب:** رایت ولدأ مسروراً — رایت الولدأ مسروراً

جمله اول نمی تواند حال باشد چون موصوف و صفت باید مطابقت داشته باشند. همچنین «مسروراً»، اسم نکره ی «ولدأ» را توصیف می کند. اگر حال باشد صاحب حال باید معرفه باشد که نیست. (جلوتر توضیح دادم درباره صاحب حال)

(2) **خبر افعال ناقصه:** لیس الاعداء قادرین علی السیطره علینا

با این که «قادرین» نکره منصوب و مشتق است (اسم فاعل) چون خبر «لیس» است نمی تواند حال باشد.



### نکات تکمیلی:

- (1) چون حال مشتق است پس نمی تواند مصدر باشد.
- (2) دلیل مشتق بودن حال داشتن معنای وصفی است. حزین: ناراحت
- (3) اگر اسم مفرد تنوین بگیرد یا باید «ه» (ت گرد) داشته باشد یا اگر ندارد به انتهای آن الف اضافه کنیم.
- (4) جمع های مونث سالم هیچ وقت تنوین نمی گیرند. (البته اگر حال باشند حرکت گذاری نمی شوند پس به نکات دیگر حال درباره آن ها توجه کنید)
- (5) ممکن است یک جمله بیشتر از یک حال داشته باشد.





# صاحب حال

صاحب حال یا مرجع حال: اسمی است که حالتش توسط حال بیان می شود.

مثال: یذهب تلامیذ القریه الی المدرسه مسرورین!

دانش آموزان روستا شادمان به مدرسه می روند.

«تلامیذ» صاحب حال و معرفه به اضافه

صاحب حال همیشه معرفه و حال همیشه نکره است. (معرفه به ال یا معرفه به اضافه)

حال و صاحب حال از نظر تعداد و جنس با هم مطابقت دارند.

مثال: یشتغل الفلاحان فی المزرعه نشیطین!



حال و مثنای مذکر

صاحب حال و مثنای مذکر

نکات تکمیلی:

- (1) چون در صیغه متکلم وحده تفاوتی بین مذکر و مؤنث نیست حال می توان به هر دو صورت استفاده شود و مشکلی از لحاظ قواعد ایجاد نمی شود.
- (2) در صیغه متکلم مع الغیر هم علاوه بر این که بین مذکر و مؤنث فرق نیست بین مثنی و جمع هم تفاوتی وجود ندارد.
- (3) گفتیم حال و صاحب حال باید از نظر جنس و تعداد با هم مطابقت داشته باشند اما جمع غیر عاقل در حکم مفرد مؤنث است.





## حال جمله اسمیه

**مثال:** شجیع التلمیذ المثالی فی الصف و هو یشعر بالافتخار:

دانش آموز نمونه در کلاس تشویق شد در حالی که احساس افتخار می کرد.

پس ساختار آن مطابق زیر است:

.....صاحب حال..... + و + مبتدا + خبر

- پس در واقع ما قبل از «حال جمله اسمیه» یک جمله داریم که درونش صاحب حال هست. جمله حالیه با «واو» شروع می شود بعد آن مبتدا و خبر داریم.
- وجود «واو» حالیه در ابتدای جمله اسمیه حالیه ضروری است و نباید به جای آن «ف» آمده باشد چون ارتباط با جمله قبلی قطع می شود.
- همچنین گفته شد که صاحب حال باید معرفه باشد اما به این نکته توجه کنید که «اسم های علم» حتی در صورتی که تنوین بگیرند معرفه هستند و می توانند صاحب حال واقع شوند.



## حال جمله فعلیه

رایتُ ولدًا یمشی بسرعه: پسری را دیدم که به سرعت راه می رفت.

«یمشی» در این جمله، جمله وصفیه است که ولدًا (اسم نکره) را وصف می کند.

اما:

رایتُ الولدَ یمشی بسرعه: پسر را دیدم، در حالی که به سرعت راه می رفت.

با یک تغییر کوچک معنای جمله تغییر کرد.

— به فعل مضارعی که بعد از اسم معرفه بیاید و حالت آن را بیان کند «جمله حالیه (فعلیه)» می گوئیم.

— مهم در «جمله حالیه فعلیه» این است که اسم معرفه قبل از خود را تعریف کند پس باید به معنای جمله دقت کنیم تا اگر یک اسم نکره قبل فعل مضارع آمد اما فعل مضارع آن را تعریف نمی کرد بتوانیم تشخیص دهیم.

**مثال:** رایت الطالب فی مکتبه یدرس بدقه:

با این که «مکتبه» نکره است اما «یدرس» آن را وصف نمی کند و حالت «الطالب» را بیان می کند.

بعد از حل تست زیر و چک کردن پاسخ نامه

جواب بقیه تستها رو تو بخش کامنت ها با دوستاتون به

اشتراک بزارین.



عين الخطا للفراغ لايجاد اسلوب الحال: «وصل الموظفون الى الدائره.....!»

(1 هم مستعجلين (2 مستعجلين

(3 يستعجلون (4 و هم مستعجلون

پاسخ: گزینه یک

در این گزینه هم «واو» حالیه وجود ندارد هم خبر

جمله اسمیه به جای این که مرفوع باشد به صورت

منصوب آمده است.

## عين «حال»:

- (1) جعل الله في الدنيا من كل الموجودات ذوجين!
- (2) نسال الله ان يجعل السكينه في قلوب الخائفين!
- (3) اندفع شباب المسلمين الى مركز العلم فرحين!
- (4) كان طلاب مدرستنا في اداء واجباتهم دووبين!

## عين صاحب الحال جمع التفسير:

- (1) شاهد الناس اشعه الشمس من وراء الجبل متكونه من الوان مختلفه!
- (2) حصد الفلاحون محاصيل كثيره في الاراضى الواسعه فرحين!
- (3) كان الاولاد يلعبون في ساحه المدرسه مسرورين من عملهم!
- (4) يساعد طلاب المدرسه هذا التلميذ متكاسلاً في دروسه!